کشف ۲ تن تریاک در عملیات پلیس مرزبانی

فرمانده مرزبانی ناجا از عملیات مرزبانان استان سیستان و بلوچستان علیه سوداگران مرگ و کشف بیش از دو تن انواع موادمخدر در مرزهای جنوب‌شرق کشور خبر داد. به گزارش جام جم، سردار احمدعلی گودرزی در تشریح این خبر اظهار کرد: مرزبانان استان سیستان و بلوچستان با انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی، از فعالیت باند بزرگ قاچاق موادمخدر و همچنین برنامه‌ریزی آنها برای ورود محموله موادمخدر به داخل کشور از منطقه مرزی میرجاوه مطلع شدند و اکیپ‌های پوششی و عملیاتی مرزبانی با تجهیزات کامل به منطقه اعزام شدند و به اجرای کمین و تشدید پوشش منطقه پرداختند. مرزبانان با انجام عملیات هدفمند و هوشمندانه تمام مسیرهای تردد را بر قاچاقچیان بستند اما درنهایت سوداگران مرگ که در محاصره مرزداران گرفتار شده‌بودند با به‌جاگذاشتن محموله موادمخدر از منطقه متواری شدند. در این عملیات مقدار ۲۲۷۵ کیلوگرم انواع موادمخدر کشف شد.

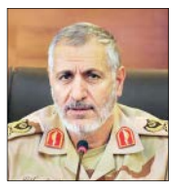

امدادگران در حال جست‌وجو برای یافتن جسد مادر فداکار

زن فداکار سیستانی هنگام نجات پسرش از رودخانه غرق شد

ترانه ناتمام مادری

لیلا حسین‌زاده

حوادث

سه روز است که مامان سمیرا دیگر زنده نیست تا برای چهار پسرکش مادری کند، برایشان غذا درست کند و شیطانی‌شان را به جان بخرد. دیگر سمیرا نیست که وقتی پسرانش صدایش می‌زنند مامان، بگوید جان مامان. دیگر از آشپزخانه، بوی غذای تازه بلند نیست. دیگر سمیرا نیست که به استقبال شوهرش برود و بعد از گفتن خسته نباشید، یك استکان چای گرم به او بدهد. رودخانه تنگ‌نظر، چشم دیدن شادی مادر و بچه‌هایش را در آن روز نحس نداشت، یك لحظه مادر را قاپید و روی یال‌های مواج و وحشی‌اش سوار کرد و با خودش برد. حالا یك خانه خالی از مادر باقی مانده و یادگاری‌هایی که بوی مادر را می‌دهد.

هوا خوب و آفتابی بود. رودخانه پرآب شده بود و خیلی‌ها را وسوسه می‌کرد تا برای چند دقیقه کنارش بنشینند و حال و هوایی تازه کنند. پدر هم از این فرصت استفاده کرد و به پسرها و همسرش گفت وسایل‌شان را جمع‌کنند و به کنار رودخانه بروند تا هم دست و رویی در آن بشویند و هم مادر غذایی بپزد و کنارش سفره پهن‌کند و لذت دنیا را ببرند، اما هیچ‌کدام نمی‌دانستند نفیر مرگ برایشان به صدا درآمده است. قاسم هشت ساله، لباس‌هایش را کند و وارد آب شد. خنکای آب تا زیر پوست قاسم دوید و خنده‌ای از ته دل کرد. مادر با چشم‌هایی نگران چشم از قاسم برنمی‌داشت، پدر هم کمی دورتر نشسته و به آنها نگاه می‌کرد. همه چیز به نظر آرام بود، اما انگار در دل مادر رخت می‌شستند. نگران بود. به قاسم نزدیك شد. دلش گواهی بد می‌داد. چقدر دوست داشت دستش را بگیرد و او را از آب بیرون بکشد، اما حریف شیطانی پسرش نمی‌شد.

رودخانه وحشی

وسط خنده‌های کودکانه پسرك، یکدفعه آب تعادلش را به‌هم زد و نزدیك بود به زیر آب برود. مادر از همین می‌ترسید. دوان‌دوان به دل رودخانه زد و دست قاسم را گرفت و او را از آب بیرون انداخت، اما ناگهان دستان رودخانه دراز شد و مادر را به سمت عمیق خود کشید. مادر دست و پا زد تا خودش را به کناره رودخانه برساند، اما نتوانست.

پدر با هول و ولا خودش را به رودخانه رساند تا مادر را از آب بیرون بکشد، اما رودخانه وحشی‌تر از آن بود که بتواند با آن دربیفتد. حتی دستش هم به مادر نرسید. شنا هم بلد نبود. صدای شیون و واویلای بچه‌ها همه‌جا پیچیده بود. پدر بهت‌زده و مستاصل، به سمت روستایی که نزدیك رودخانه بود، دوید تا کمك بیاورد. جز صدای گریه هیچ صدایی شنیده نمی‌شد. رودخانه هم انگار نه انگار که اتفاقی افتاده بود. موهایش زیر نور زرد و سفید آفتاب برق می‌زد و فخرفروشی می‌کرد.

پسرعموی سمیرا که لب رودخانه قاتل است، با چشمانش همچنان دنبال جسد سمیرا می‌گردد. وقتی با او صحبت می‌کنیم هنوز جسد پیدا نشده و وزش باد نمی‌گذارد راحت حرف بزند: «رودخانه‌های سیستان و بلوچستان، دو، سه ماه آبگیری دارد و جریان آب‌شان هم تند است. غیر از مسؤولان هلال احمر، هیچ‌کس به کمك ما نیامد. این رودخانه که در منطقه فیروزه‌ای قرار دارد، قاتل مردم سیستان و بلوچستان است. نه تابلوی هشدار دارد و نه یك جای تفریحی که مردم به آنجا بروند تا جان‌شان به خطر نیفتد. مردم دردشان را به چه کسی بگویند؟ هیچ مسؤولی صدای آنها را نمی‌شنود.»

توضیحات هلال احمر

مهدی راشکی، مسؤول دفتر نمایندگی هلال احمر شهرستان هامون در مورد این حادثه می‌گوید: «این رودخانه که در پل نُهرآب بین شهرستان زابل و هامون قرار دارد، عمق مشخصی ندارد. در بعضی نقاطم ممکن است عمق آن نیم متر و بعضی نقاط چهار یا پنج متر هم باشد. روز حادثه، چوپانی که از آن حوالی عبور می‌کرد، به این خانواده هشدار داده بود که رودخانه خطرناك است و عمقش مشخص نیست و بهتر است از آن‌جا بروند، اما متاسفانه توجهی نکرده بودند. اینجا منطقه تفریحی وجود ندارد که مردم برای تفریح به آنجا بروند و به تابلوی هشدار هم توجه نمی‌کنند. زمانی که داشتیم دنبال جسد فرد غرق شده می‌گشتیم، در دو طرف رودخانه، خانواده‌ها مشغول تفریح بودند. حتی با این‌که می‌دانستند دنبال جسد هستیم، اما اهمیتی نمی‌دادند و کار خودشان را می‌کردند. در هر صورت، صبح روز ۱۳ خردادماه جسد مادر را با کمک غواصان هلال احمر و کمک‌های مردم بومی به فاصله تقریبی هشت کیلومتر دور از محل حادثه پیدا کردیم و تحویل خانواده‌اش دادیم.»

گلایه اهالی

یکی از اهالی، در مورد این حادثه می‌گوید: «بسیاری از مردم سیستان و بلوچستان به‌دلیل عدم دسترسی به یك تفریحگاه مناسب، چنین نقاط خطرناکی را برای تفریح انتخاب می‌کنند. این در حالی است که متولیان امر، هیچ اقدامی در جهت نصب تابلوی شنا ممنوع و استفاده از چند غریق نجات در محل انجام نداده‌اند. براساس آمارهای رسمی، از ابتدای امسال تاکنون ۱۰ نفر جان خود را در اثر غرق‌شدگی از دست داده‌اند. اگر بخواهید این آمار را با محمودآباد یا نور مقایسه‌کنید، می‌بینید که آمار ما بسیار بالاتر از این دو شهرستان است. سال گذشته تعداد غرق‌شدگان‌مان ۲۰ نفر بود که با غرق‌شدگان سیل شیراز برابری می‌کرد. در این منطقه دو استخر وجود دارد که قیمت بلیت‌شان بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان است، چطور می‌توان از مردمی که با مشکلات مالی زندگی می‌کنند انتظار داشت این مبلغ را بپردازند؟

وی ادامه می‌دهد: بستر این رودخانه و مسیر این آب حداقل شش تا ۱۰ کیلومتر است. در جایی که پل وجود دارد و خودروها از روی آن عبور می‌کنند، تابلو وجود دارد، اما در جایی که بستر رودخانه ناهموار است، هیچ تابلوی هشداری نیست. دهیارها با اعتباراتی که در اختیار دارد، چه نقشی در این زمینه دارد؟ نصب چند تابلوی هشدار و فنس‌کشی و استخدام چند غریق نجات در این نقطه خطرناك چقدر هزینه دارد؟ نجات جان انسان‌ها ارزش این را ندارد که این اقدامات حفاظتی انجام شود؟ نمی‌توان همه تقصیرها را گردن مردم انداخت.»

> مادر بعد از نجات فرزندش از عمق رودخانه خودش قربانی شدت جریان آب شد و جان باخت

قرار با مرگ در هتل

مرد جوان که با نقشه قبلی همسرش را به یک هتل برده و او را با ضربات چاقو به قتل رسانده‌بود، در دادگاه اتهام خود را پذیرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، اردیبهشت‌ماه سال ۹۸، زمانی که خدمتکار یکی از هتل‌های شرق تهران مشغول نظافت اتاق‌های هتل بود متوجه‌شد مهمان اتاق ۲۵۱ مدتی است از اتاق بیرون نرفته و در را هم باز نمی‌کند. برای همین با کلید یدک وارد اتاق شد و با پیکر غرق در خون زن جوان به‌نام ترانه که روز قبل با همسرش به هتل آمده بودند، روبه‌رو شد.

با توجه به این‌که همسر ۳۰ ساله مقتول متواری بود، به‌عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت اما یک هفته بعد از ماجرا متهم با مراجعه به پلیس پردیس به قتل اعتراف و انگیزه خود را از قتل همسرش اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهم در جایگاه دفاع قرار گرفت. این در حالی بود که اولیای دم تقاضای قصاص متهم را کردند. متهم در دفاع از خود گفت: «اتهامم را قبول دارم. از مدتی قبل با ترانه بر سر اعتیاد من اختلاف داشتیم و او طلاق غیابی گرفته‌بود. می‌خواستم او را به زندگی برگردانم و برای همین با او در هتل قرار گذاشتم اما به ارتباطات او مشکوک بودم و برای همین او را با ضربات چاقو به قتل رساندم.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

شک پلیس، جان نوچه‌هانی کرده را نجات داد

کارمندیکی ازبیمارستان‌های پایتخت که قصد داشت یکی از نوچه‌های هانی کرده را با سلاح به قتل برساند، قبل از اجرای نقشه اش دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته ماموران در غرب تهران متوجه خودروی پرایدی شدند که با سرعت بالایی در مسیر خلاف خودروها حرکت می‌کند. به تعقیب خودرو پرداخته و با شلیک گلوله راننده را مجبور به توقف کردند.

در بازرسی ازخودروی او یک قبضه کلت و تعدادی فشنگ کشف شد. دیروز متهم برای ادامه تحقیقات نزد بازپرس علی ایرد موسی منتقل شد. مرد جوان هنوز باورش نمی‌شد که حمایت و حفاظت از خواهرزاده‌اش در برابر تهدیدهای مرگبار یکی از نوچه‌های «هانی کرده» این طور او را به دردسر می‌اندازد. وی در جریان تحقیقات به بازپرس جنایی گفت :خواهرم و خانواده‌اش در محله اتابک تهران زندگی می‌کردند. مدتی بود که پسر او با دیدن مزاحمت‌های خیابانی و شرارت‌های یکی از نوچه‌های هانی کرده در محله اتابک به ستوه آمده و با او درگیرشده بود. خواهرزاده‌ام مدام از آن شرور در تلگرام و اینستاگرام می‌خواست که محله را ترک کند و با شرارت‌هایش باعث

ناراحتی خانواده او و دیگر ساکنان محل نشود. مرد شرور هم در مقابل خواهرزاده ام را تهدید به قتل کرد. خواهرم برای حفظ جان پسرش از آن محله رفت، اما مرد شرور به تهدید و کری‌خوانی در اینستاگرام ادامه داد. وقتی تهدیدهایش ادامه پیدا کرد از مردی سلاح کلتی به قیمت ۱۰ میلیون تومان خریدم تا از خانواده خواهرم محافظت کنم. روز دستگیری‌ام، متوجه شدم خواهرزاده ام به محله اتابک رفته و مرد شرور به دنبال اوست. سلاح را در ماشین گذاشته و راهی آنجا شدم که ماموران به من شک کرده و دستگیر شدم. اگر دستگیر نمی‌شدم، مرد شرور را کشته بودم. پس از تحقیقات مقدماتی برای متهم قرار قانونی صادر شد.

جزئیات انتشار فیلم کودک آزاری زن جوان در اینستاگرام

شکنجه کودک به دستور هکر مرموز!

معصومه ملکی

حوادث

زنی که با تهدیدهای یک هکر اقدام به شکنجه فرزندش کرده و فیلم و عکس‌های او را در اختیار آن مرد قرار می‌داد، جزئیات آزار فرزندش را تشریح کرد. مرد هکر صفحه اینستاگرامی به نام این زن راه اندازی کرده و عکس و فیلم‌های شکنجه را در آنجا منتشر و به کمک حساب بانکی این زن از مردم اخاذی می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۶ خرداد امسال چند زن و مرد در تماس با پلیس فتای استان خراسان رضوی اعلام کردند زنی در اینستاگرام فیلم و عکس‌هایی از شکنجه پسر خردسالش را منتشر کرده و مدعی است که اگر کاربران پولی به حسابی که اعلام می‌کند، پرداخت نکنند، فرزندش را بیشتر شکنجه می‌کند.

در ادامه ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و دریافتند، این صفحه دو ساعت قبل راه‌اندازی شده و در این مدت ۲۶۰۰ دنبال‌کننده به این صفحه آمده اند.

ماموران تحقیقات را در این باره ادامه دادند تا این‌که معلوم شد فردی که فیلم و عکس‌های شکنجه پسر خردسالش را منتشر می‌کند، زن ۲۳ ساله ای است که در یکی از محله‌های شهر مشهد زندگی می‌کند. در این مرحله ماموران پلیس فتای استان خراسان رضوی برای دستگیری زن جوان رهسپار خانه وی شدند و او را عصر همان روز جمعه بازداشت کردند. در بازرسی از گوشی تلفن همراه او فیلم و عکس‌هایی به‌دست آوردند که نشان می‌داد این زن از آزار و اذیت‌های پسرش فیلم گرفته است.

زن جوان در جریان تحقیقات پلیسی گفت: هفت سال پیش ازدواج کردم و ثمره زندگی‌مان همین پسر خردسال است. سه هفته قبل فردی از طریق تلگرام برایم پیام‌هایی ارسال کرد مبنی براین‌که عکس و اطلاعات خصوصی که در گوشی تلفن همراه بوده را هک کرده و اگر می خواهم آن را همراه اطلاعات خانوادگی‌ام در شبکه‌های اجتماعی منتشر نکند و مرا به دردسر نیندازد، باید پسرم را کتک بزنم و از صحنه شکنجه‌اش فیلم بگیرم. آن مرد دست بردار نبود تا این‌که مجبور شدم خواسته‌اش را بپذیرم. پسرم را کتک زده و شکنجه دادم و عکس و فیلم‌های شکنجه را برای او ارسال کردم. بعد از من خواست شماره کارتم را به او بدهم. روز پنجشنبه دوباره با من تماس گرفت و با تهدید خواست، این بار در جریان کتک زدن فرزندم بدن او را با قاشق داغ بسوزانم و میزان شکنجه‌اش را بیشتر کنم که قبول نکردم. بعد از دستگیری‌ام متوجه شدم او به جای من صفحه اینستاگرامی راه اندازی و آن فیلم و عکس‌ها را در آنجا منتشر کرده و علاوه بر آن شماره کارت بانکی مرا در آنجا ثبت کرده و در حال اخاذی از مردم است.

سرهنگ جواد جهانشیری، رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی به جام جم گفت: با اعتراف این زن برای او اکنون قرار قانونی صادرشده وتحقیقات برای دستگیری مرد هکر ادامه دارد تا راز دیگر جرایم او فاش شود.

وی افزود: پدر این کودک از همسرش شکایت کرده که پرونده در جریان رسیدگی است. همچنین پسر بچه تحویل پدرش شده است.

روایت قاضی پرونده

این در حالی است که مهدی غلامی، رئیس شعبه ۷۷۲ دادسرای فضای مجازی و شهر سازی خراسان رضوی درباره دیگر ابعاد این پرونده گفت: پس از این اقدام مجرمانه مادر کودک آزار مشهدی که با زدن کودکش از مردم اخاذی می کرد و منجر به تشویش اذهان عمومی شده بود بازداشت شد. این زن با پسری به نام نوید ارتباط دوستی داشته است. نوید خود را ایرانی مقیم فرانسه معرفی کرده وبا وعده‌های دروغین همچون گرفتن اقامت فرانسه، پیداکردن کار و وعده ازدواج در ازای طلاق از همسرش به رابطه‌اش با این زن ادامه داد.

وی افزود: در یکی از تماس‌های این خانم با نوید، بنیامین پشت دوربین می‌آید و زبانش را در می آورد که نوید ناراحت می‌شود و از او درخواست می کند تا کودکش را مورد ضرب و شتم قرار دهد. نوید، این زن را تهدید کرده بودکه باید کودکش را بزند، فیلم بگیرد و به او بدهد. در غیر این صورت عکس‌های مستهجن او را منتشر می‌کند.

وی ادامه داد: نوید حتی از مادر این کودک می خواهد با قاشق او را بسوزاند و فیلم تهیه کند. وقتی این زن از این کار امتناع می‌کند، پیجی در اینستاگرام راه‌می‌اندازد و تصاویر شخصی این زن و عکس و فیلم‌های ضرب و شتم را منتشر می کند. مادر حق ضربه زدن به فرزندش را ندارد، فرزندا و به پزشکی قانونی معرفی شده که در صورت صدمه کودک، ایراد ضرب عمدی هم به مادر تفهیم می شود. مادر این کودک از سلامت روانی برخوردار بوده و به گفته وی، پس از ضرب و شتم فرزندش، گریه می کرده است. حتی این زن در تحقیقات گفته که مرد جوان که به او دستور کتک زدن فرزندش را می داده هدفش از این کار جلب دنبال کننده‌های بیشتری درفضای مجازی برای خودش بوده و متهم زن از اقدامی که انجام داده پشیمان است.

تلنگر

دستگیری قاتل شیشه ای در پاتوق معتادان

سارق شیشه ای که در جریان درگیری خیابانی پسر ۲۱ ساله را کشته بود، درپاتوق افراد معتاد بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، متهم ۳۳ ساله که عادل نام دارد و یک دزد و خلافکار شیشه ای است، شامگاه ۱۲ خرداد امسال درجریان درگیری با پسر ۲۱ ساله‌ای او را در نزدیکی ایستگاه تاکسی محله نعمت آباد تهران به قتل رساند و متواری شد. با دستور محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تحقیقات پلیسی ادامه یافت و با شناسایی خانواده مقتول معلوم شد پسرشان با جوان خلافکاری به نام عادل اختلاف داشته و از سوی او به مرگ تهدید شده است. همچنین ماموران در شاخه دیگری از تحقیقات متوجه شدند درگیری آنها بر سر سنگ قیمتی یک انگشتر بوده است.

سرانجام ردپای اودرپاتوق معتادان در خلازیر به دست آمد و وی در آنجا بازداشت شد. تحقیقات پلیسی نشان می داد متهم پرونده از ۱۸ سالگی به خاطر دعوا به زندان افتاده و در ادامه معتاد به شیشه شده و به خاطر سرقت چند بار راهی زندان شده بود. متهم به قتل دیروز برای ادامه تحقیقات به شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و با اعتراف به قتل گفت: چندهفته قبل ازقتل، با مقتول که دوستم بود بر سر یک سنگ قیمتی انگشتر درگیر شدم که بدون کتک‌کاری تمام شد. چند روز بعد تعدادی وسایل که ۵۰۰ هزار تومان ارزش داشت به او دادم تا بفروشد. او وسایل را فروخت و پول آن را به من نداد. شب حادثه با او رو به رو شده و دعوایمان شد که عصبانی شده و دوستم را کشتم.

خانواده ام خواستند خود را تسلیم کنم، اما از ترس فرار کرده و به پاتوق معتادان رفتم که در آنجا بازداشت شدم.

قتل به خاطر یک مسافر

درگیری خونین دو راننده مسافرکش منجر به قتل یکی از آنها شد. متهم دیروز در دادگاه کیفری به دفاع از خود پرداخت.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۸ فروردین ۹۸، گزارش درگیری منجر به قتل بین دو راننده مسافربر در خیابان آذری روی میز پلیس قرار گرفت. تحقیقات اولیه از شاهدان ماجرا حاکی از آن بود که درگیری بر سر نوبت سوار کردن مسافر رخ داده بود. یکی از دوستان مقتول به پلیس گفت: ما راننده‌های خطی هستیم و روز حادثه یک راننده گذری بدون نوبت، مسافر دوستم را سوار کرد و دوستم که محسن نام داشت با او درگیر شد. ناگهان آن راننده با چاقو به محسن ضربه زد و به سمت ماشین خود فرار کرد، محسن با همان حال دنبال او دوید اما راننده دو ضربه دیگر به محسن زد و کمی جلوتر تصادف کرد، اما باز هم توقف نکرد و از محل فرار کرد. به نظر می رسید او معتاد باشد.»

با اطلاعاتی که شاهدان در اختیار ماموران قرار دادند، متهم دستگیر شد و به قتل محسن اعتراف کرد. پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهم در دفاع از خود در دادگاه گفت: «اتهامم را قبول دارم. آن روز زمانی که می‌خواستم مسافر سوار کنم، راننده به من پرخاش کرد و من نفهمیدم چه شد که دست به چاقو بردم. بعد از ترس و برای فرار کردن از مهلکه دو ضربه دیگر به او زدم.»

۳ کشته و مصدوم در حادثه واژگونی مینی‌بوس

واژگونی مینی‌بوس در مشیریه تهران جان راننده راگرفت و دو نفر دیگر مصدوم شدند.

به گزارش جام جم، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران درباره این حادثه گفت: حدود ساعت یازده صبح یک دستگاه مینی‌بوس حامل مسافر که به مقصد سه راه افسریه در حرکت بود به دلیل نامعلوم قبل از میدان آقانور پس از کنترل نشدن خودرو توسط راننده و انحراف از مسیر اصلی با گاردیل حاشیه جاده برخورد کرده و سپس واژگون شد.

با اعلام این حادثه به آتش‌نشانی، امدادگران از دو ایستگاه عازم محل شدند. در این حادثه سه نفر از سرنشینان در خودرو محبوس شده، دو نفر دچار مصدومیت شدید شده و نفر سوم که راننده بود بر اثر جراحات جان خود را از دست داد.